

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

شناسنامه درس

نام درس: تغییرات اجتماعی ، 3 واحد

منبع درس: جامعه شناسی تغییرات اجتماعی.

غلامرضا غفاری و عادل ابراهیمی لویه.

چاپ اول. تهران : اگرا و لویه، 1384.

تهیه کننده: سعید کیاکجوری

فهرست

فصل اول. کلیات

فصل دوم. روش‌شناسی تغییر اجتماعی

فصل سوم. تطور تاریخی جوامع انسانی

فصل چهارم. تغییر اجتماعی در اندیشه کلاسیک‌های جامعه‌شناسی

فصل پنجم. رویکرد ساختی - کارکردی و تغییر اجتماعی

فصل ششم. رویکرد تضاد و تغییر اجتماعی

فصل هفتم. عاملیت و تغییر اجتماعی

فصل هشتم. ساختار و تغییر اجتماعی

فصل نهم. الگوها و راهبردهای تغییر اجتماعی

فصل دهم. سنت، نوسازی و تجدد

فصل یازدهم. هزینه های تغییر اجتماعی

فصل دوازدهم. جهانی شدن

جایگاه درس

این درس از دروس اصلی در رشته علوم اجتماعی (کلیه گرایشها) است.

هدف کلی

هدف کلی این درس این است که دانشجویان را با مفهوم،

شرایط، عوامل و پیامدهای تغییرات اجتماعی آشنا کند.

فصل اول. کلیات

در این فصل با ضرورت مطالعه تغییر
اجتماعی، تعاریف و انواع آن آشنا می شوید.

جایگاه تغییر اجتماعی در جامعه‌شناسی

از آغاز پیدایش علم جامعه‌شناسی مبحث تغییر اجتماعی

از موضوعات کلیدی این علم بوده و حتی عنوان شده که

جامعه‌شناسی، علم مطالعه تغییر و نظم اجتماعی است.

جامعه‌شناسی ایستا و پویا

اگوست کنت، واضع مفهوم جامعه‌شناسی، این
علم را به دو شاخه **ایستا** و **پویا** تقسیم کرده است.



به عقیده **کنت**، **جامعه شناسی ایستا**، به ثبات، نظامهای

هنجاری، الگوهای قشربندی و جامعه پذیری، و **جامعه شناسی**

پویا به الگوهای تغییر و تحول اجتماعی توجه دارد.

خاستگاه جامعه‌شناسی

به تعبیر **گیدنز**، خاستگاه جامعه‌شناسی را می‌توان در کوشش

برای درک تغییراتی که جهان سنتی را در هم پاشید و به ایجاد

شکلهای جدید نظم اجتماعی مدد رسانید، جستجو کرد.

جامعه و تاریخ

شتاب و فراگیری تغییرات اجتماعی در دوره جدید، جامعه‌شناسان تاریخ‌گرا را به طرح این ایده کشانده که **جامعه تاریخ است**.

تعاریف تغییر اجتماعی

نویسندگان مختلف، تعاریف گوناگونی از تغییر اجتماعی ارائه داده اند، اما بیشتر آنها، بر تغییر ساختاری و تغییر در روابط میان مؤلفه های اصلی جامعه تأکید کرده اند.



برخی نیز معتقدند که تغییر اجتماعی هم شامل تغییر
در ساختار جامعه است و هم تغییر در عملکرد آن.

تغییر و تطور اجتماعی

روشه، بین دگرگونی (تغییر) اجتماعی و

تطور (تحول) اجتماعی فرق می گذارد.



تغییر اجتماعی شامل تغییرات قابل مشاهده و قابل

بررسی در زمان کوتاه است، اما **تطور اجتماعی**، به

مجموعه تغییرات در جامعه در دوره طولانی اطلاق می شود.

کلان نگریِ جامعه‌شناسان کلاسیک

جامعه‌شناسان کلاسیک، که واحد تحلیل آنها
جوامع بشری بود، دیدگاهی کلان‌نگر داشتند و بیشتر
به تحول اجتماعی نظر داشتند تا به تغییر اجتماعی.

تعریف مور

مور، تغییر اجتماعی را تغییر در الگوهای رفتاری و فرهنگ

که شامل هنجارها و ارزشها می شود، تعریف می کند.

تعریف گیدنز

به نظر **گیدنز**، تغییر اجتماعی، تغییر در نهادهای

اساسی جامعه در طی یک دوره معین است.

تعریف واگو

به نظر **واگو**، تغییر اجتماعی، فرایند تغییرات کمی یا کیفی با برنامه یا بدون برنامه در پدیده های اجتماعی است.

مؤلفه های تغییر

به عقیده **واگو**، مؤلفه های تحلیلی مرتبط با تغییرات اجتماعی

عبارت اند از هویت، سطح، مدت، جهت، وسعت، و آهنگ تغییر.

هویت تغییر

هویت تغییر، به پدیده‌های اجتماعی خاصی چون کنش،

رفتار، گرایش، الگوهای تعامل و غیره دلالت دارد.

سطح تغییر

سطح تغییر، به جایگاهی که تغییر به صورت خاصی در آن حادث

می شود (فردی، گروهی، سازمانی و غیره) اطلاق می شود.

مدت تغییر

مدت تغییر، به این پرسش می پردازد که تغییر پس از

آنکه مقبولیت یافت، چه مدتی دوام و پایداری دارد.

جهت تغییر

جهت تغییر، با مفاهیم پیشرفت، انحطاط یا سقوط بیان می شود،

و بیانگر وضعیت آتی یک تغییر نسبت به وضعیت اولیه آن است.

وسعت تغییر

وسعت تغییر، بر مبنای قلمرو و عمق تغییر اجتماعی تعریف

می شود و شامل تغییرات حاشیه ای، جامع و انقلابی است.

آهنگ تغییر

آهنگ تغییر، معمولاً بر چگونگی سرعت تغییرات از لحاظ کند بودن،

سریع بودن، مداوم بودن، منظم یا نامنظم بودن، دلالت می کند.

تعدد تعاریف تغییر اجتماعی

تعدد تعاریف تغییر اجتماعی در درجه نخست از پیچیدگی و چند بُعدی بودن موضوع، و به صورت مشخص تر، از تعلق پارادایمی و سطح تحلیل جامعه‌شناسان سرچشمه می‌گیرد.



تفاوت در تعلق پارادایمی به تفاوت در بینش و
نوع نگاه به واقعیت‌های اجتماعی ختم می شود.

سطوح تحلیل واقعیت اجتماعی

واقعیت اجتماعی در سطوح خرد، میانی و کلان قابل تحلیل است.



محقق، در سطح خرد، با فرد کنشگر و عامل، و در سطوح
میانی و کلان، به ترتیب با فرایندها و ساختارها سروکار دارد.

زمان مندی تغییر اجتماعی

چون تغییر اجتماعی دارای خصلت فرایندی است و کم و کیف آن در طی زمان مشخص می شود، لذا برای فهم ماهیت تغییر، شناخت بُعد زمان مندی آن اهمیت اساسی دارد.

تعدد زمانهای اجتماعی

گروپ معتقد است که زمان، برای افراد، گروهها و

جوامع مختلف به صورت یکسان و یکنواخت نمی گذرد.

او طبقه بندی هشت سنخی از زمان ارائه می دهد.

ویژگیهای تغییر اجتماعی

تغییر اجتماعی پدیده‌ای است جمعی، ناشی از تعامل مجموعه‌ای از عوامل، ساختی، زمان‌مند، متأثر از عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و محیطی.

انواع تغییر اجتماعی

تغییر اجتماعی، بر مبنای علت‌های تغییر، به **درون‌زا، برون‌زا و ترکیبی**،

و

بر اساس وجود یا عدم تعمد، به **با برنامه و بی برنامه** تقسیم می

شود.

اصلاح و انقلاب اجتماعی

تغییر اجتماعیِ روبنایی نوعی **اصلاح** در جامعه است

بدون تغییر در ماهیت و بنیاد ساختار اجتماعی، و تغییر

اجتماعیِ زیربنایی، همان **انقلاب اجتماعی** است.

تغییرات فرهنگی و تغییرات اجتماعی

تغییراتی که در حوزه معرفت صورت می گیرند، **تغییرات**

فرهنگی، و تغییراتی که در حوزه ساختارهای اجتماعی و

جمعیتی رخ می دهند، **تغییرات اجتماعی** هستند.



تغییر فرهنگی نسبت به تغییر اجتماعی گسترده‌تر و آهنگش کندتر است.

فصل دوم. روش شناسی تغییر اجتماعی

در این فصل، با رویکردهای فردگرایی، جمع گرایی و تلفیقی آشنا می شوید و روشهای مطالعه تغییرات اجتماعی را فرامی گیرید.

وجوه اشتراک و افتراق روش شناسیها

همه روش شناسیها در پی تبیین واقعیتها و فرایندهای اجتماعی هستند، اما سطح تحلیل و واحدهای مورد بررسی، و محتوا و اهداف تبیین آنها فرق می کند.

فردگرایی روش شناختی

رویکرد فردگرایی روش شناختی مبتنی بر این گزاره است که جامعه از افراد تشکیل شده و چیزی فراتر از مجموع افراد نیست.



مطابق فردگرایی روش شناختی، تبیین تغییر اجتماعی باید
با تحلیل زمینه های شناختی، نظام معانی، گرایشها و تمایلات
نظامهای شخصی آغاز شود، و سطح تحلیل، فرد است.

نظریات مبتنی بر فردگرایی روش شناختی

نظریه انتخاب منطقی و نظریه های تفهیمی از منظر فردگرایی

روش شناختی به تبیین پدیده های اجتماعی می پردازند.

نظریه انتخاب منطقی

نظریه انتخاب منطقی، واقعیت‌های اجتماعی را محصول کنش‌های آدمیان می‌داند و آدمیان را کنشگرانی هدفمند، آزاد، ارزشمدار و محتاط می‌شناسد.

نظریه های تفهومی

نظریه های تفهومی بر کشف و شناسایی نظام

معنایی کنشگران اجتماعی تأکید می ورزند.

جمع گرایی روش شناختی

رویکرد جمع گرایی روش شناختی مبتنی بر این گزاره
است که جامعه تنها مجموعه ای از افراد نیست، کلی
فراتر از اجزا و واقعیتی خاص با صفاتی خاص است.



از منظر جمع گرایی روش شناختی، ما مخلوق زمان مان، طبقه مان، فرهنگ مان و محل زندگی مان هستیم. آنچه واقعی است جامعه است.

نظریات مبتنی بر جمع‌گرایی روش‌شناختی

بهره‌گیری از تبیین‌های مادی‌گرایانه، ساخت‌گرایانه،

کارکردی و سیستمی برای تحلیل تغییرات اجتماعی در

قالب رویکرد جمع‌گرایی روش‌شناختی قرار می‌گیرند.

تبیین مادی گرایانه

تبیین مادی گرایانه برای تحلیل تغییرات اجتماعی از تحول در روابط اجتماعی حاکم بر نظام تولید و ابزار تولید که بیانگر شیوه تولید در هر دوره تاریخی است، کمک می گیرد.

تبیین ساخت گرایانه

در تبیین ساختارگرایانه برای تحلیل تغییرات اجتماعی، ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مورد توجه و تأکید قرار می گیرند.

تبیین کارکرد گرایانه

تبیین کارکرد گرایانه، عمدتاً به نتایج و پیامدهای تغییر اجتماعی، اعم از مثبت (تقویت نظم) و منفی (هزینه های تغییر) توجه می کند.

تبيين سيستمي

در تبیین سیستمی، نظام به عنوان واحد تحلیل انتخاب و تغییرات اجتماعی در ارتباط با همان نظام تبیین می شود و روابط سطوح کلان، میانی و خرد اهمیت ویژه ای دارد.

روش شناسی ترکیبی

در روش ترکیبی، تعامل و دیالکتیک بین عوامل ساختاری و کنشی که با
علامان و کنشگران اجتماعی ارتباط دارد، مورد توجه قرار می گیرد.

نظریه ساخت یابی گیدنز

نظریه ساخت یابی **گیدنز** نوعی روش شناسی ترکیبی

است که در آن هم به عاملیت توجه می شود و هم به

ساخت و هیچ یک به دیگری اولویت داده نمی شود.



به نظر **گیدنز**، محدوده اصلی مطالعات اجتماعی نه تجربه

فردی است و نه هیچگونه تمامیت اجتماعی، بلکه **پراکسیس**

اجتماعی است که در طول زمان و مکان نظم می یابد.

روشهای مطالعه تغییرات اجتماعی

در حوزه جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، دو روشِ

تاریخی و تطبیقی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

روش شناسی تاریخی وبر

وبر برای تبیین دگرگونی اجتماعی از منظر تاریخی، روش شناسی

تاریخی خاصی ارائه کرد و فردگرایی روش شناختی را بکار برد.



ویژگی روش شناسی **وبر** این است که به جای توجه به تعمیم های عام تاریخی و اجتماعی و استنباطِ قوانین عام تکامل اجتماعی، به واقعیتها و ساختهای منفرد تاریخی اهمیت داده است.

دیدگاه آنال

یکی از دیدگاه‌های شناخته شده در روش‌های تاریخی، دیدگاه **آنال** است.

ویژگیهای دیدگاه آنال

در دیدگاه **آنال**، وقایع نگاری صرف و تاریخ نویسی دولتی،
مردود شناخته، و بر کل گرایی، مطالعات بین رشته ای،
نقد منابع و اسناد، تلفیق نظریه و روش تأکید می شود.

روش تطبیقی (مقایسه‌ای)

دورکیم، روش تطبیقی را مناسبترین روش برای

جامعه‌شناسی می‌داند و روشهای بقایا، توافق و تمایز،

و تغییرات متقارن را صور مختلف آن به شمار می‌آورد.



روش تطبیقی روش کشف اشتراکها و افتراقها
در میان واقعیتها و فرایندهای اجتماعی است.

روش تغییرات متقارن

به عقیده **دورکیم**، مناسبترین روش تحقیق در جامعه‌شناسی،

روش تغییرات متقارن است زیرا از درون به پیوند علی می‌رسد و

می‌تواند مدارکی بکار برد که بهتر انتخاب و نقادی شده‌اند.

فنون مطالعه تغییرات اجتماعی

در جامعه‌شناسی، فنونی که در مطالعه تغییرات اجتماعی استفاده شده‌اند عبارت‌اند از مطالعات طولی با استفاده از فنّ پانل، نظرسنجی‌ها و پیمایش‌های دوره‌ای.

فصل سوم. تطور تاریخی جوامع انسانی

در این فصل، با چگونگی تطور جوامع انسانی بر اساس تحول شیوه معیشت آشنا می شوید و ویژگیهای جوامع مختلف را فرا می گیرید.

طبقه بندی جوامع انسانی

نولان و لنسکی، بر مبنای تحول در تکنولوژی معیشتی، جوامع

انسانی را در شش طبقه یا مرحله جای داده اند : شکار و گردآوری

خوراک، شبانی، بوستانکاری، کشاورزی، صنعتی، فراصنعتی.

رویکرد تطور اجتماعی - فرهنگی

این تقسیم بندی که دلالت بر توسعه تاریخی جوامع انسانی دارد، از رویکرد تطور اجتماعی - فرهنگی تبعیت می کند.

استراتژی معیشتی

مطابق رویکرد تطور اجتماعی- فرهنگی، جوامع انسانی از برکت دسترسی به استراتژی (راهبرد) معیشتی کارآمدتر، به سوی رشد، تمایز و پیچیدگی روزافزون در حرکت اند.

تولید مازاد

استراتژی معیشتی کارآمدتر به جامعه امکان می دهد مقدار بیشتری ثروت مازاد تولید کند، یعنی تولید کالاها و خدمات بیشتر از آنچه برای تأمین نیازهای اساسی تولیدکنندگان لازم است.

جوامع شکار و گردآوری خوراک

در جوامع شکار و گردآوری خوراک، تعداد و تراکم و رشد جمعیت کم است، جستجوی غذا مهمترین فعالیت اعضاء است، نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد.



در جوامع شکار و گردآوری خوراک، نظارت اجتماعی صورت
غیر رسمی دارد؛ به لحاظ دیانت، نوعی **زنده انگاری** وجود
دارد؛ و یکی از نوآوریهای فنی مهم، کاربرد آتش است.

جوامع شبانی

جوامع شبانی همزمان با جوامع کشاورزی، بین 10 تا 12 هزار سال پیش ظاهر شده اند و برای امرار معاش، به نگهداری حیوانات اهلی متکی هستند.



در جوامع شبانی، مازاد غذا زمینه را هم برای افزایش
جمعیت فراهم کرد و هم برای مبادله اجتماعی. این
جوامع معمولاً با نابرابریهای آشکار مشخص می شوند.

جوامع ایلیاتی و عشایری

جوامع ایلیاتی و عشایری که جزء جوامع شبانی هستند،
در سایه یورش و تحرک، زمینه سازِ تحولات مختلفی
در حیات اجتماعی و سیاسی جوامع بوده اند.

جوامع بوستانکار

از برکت آشنا شدن جوامع با بذرافشانی، پرورش و برداشت گیاهان خوردنی، و نحوه تکثیر و تولید گیاهان، جوامع بوستانکار پدید آمدند.



عوامل مؤثر در انتقال جوامع شکارگر به جوامع
بوستانکار عبارت بودند از دگرگونی در محیط زیست،
رشد جمعیت، و رشد اطلاعات فرهنگی و تکنولوژی.

ویژگیهای جوامع بوستانکار

بیل و دیلم های چوبی برای کندن خاک، ابزارهای

عمده مورد استفاده در جوامع بوستانکار هستند.



در جوامع بوستانکار، نظام خویشاوندی پیچیده تر و قدرت سیاسی در دست رؤسای قبایل و دهکده هاست. توسعهٔ مازاد اقتصادی پایدار موجب گسترش تقسیم کار، افزایش مبادلات و نابرابریها شد.

جوامع کشاورزی

در جوامع کشاورزی، شیوه معیشت، بر کشت گیاهان از طریق شخم‌زنی زمین با استفاده از حیوانات، مبتنی است.

ویژگیهای جوامع کشاورزی

اختراع خیش، خط و نظامهای شمارش، ظهور ادیان بزرگ و پیدایش شهرها (تمدن)، آشنایی با فلزات و ذوب آنها، گسترش مبادلات و رشد نظامهای پولی از ویژگیهای جوامع کشاورزی است.



به طور کلی، انتقال از بوستانکاری به کشاورزی موجب افزایش بهره‌وری شد
و این خود به رشد مازاد اقتصادی و رشد جمعیت و نیروی کار انجامید.

جامعه صنعتی

جامعه صنعتی جامعه‌ای است که شیوه معیشت آن مبتنی بر تولید ماشینی و بهره‌گیری از انرژی مکانیکی است.

علت العلل انقلاب صنعتی

تراکم ذخیره اطلاعات در تکنولوژی طی آخرین بخش عصر کشاورزی، شامل پیشرفتهای کشتی سازی و کشتیرانی و اختراع ماشین چاپ، علت العلل انقلاب صنعتی محسوب می شود.

ویژگیهای جوامع صنعتی

ایجاد نظام کارخانه‌ای، جذب نیروی کار از روستاها،

تحولات فنی و اقتصادی ناشی از گسترش استفاده از

آهن و زغال سنگ از ویژگیهای جوامع صنعتی است.



پیدایش اقتصادهای مبتنی بر بازار آزاد و دولتهای رفاهی،
عرفی شدن، کاهش نابرابریها و افزایش مشارکت اجتماعی
و سیاسی مردم از دیگر مشخصات جوامع صنعتی است.

ویژگیهای جوامع فراصنعتی

معیشت جوامع فراصنعتی عمدتاً مبتنی بر تولید خدمات و اطلاعات است، و کارکنان یقه سفید، عمده نیروی کار را تشکیل می دهند.



ساختار اجتماعی جامعه فراصنعتی حول

محور دانش نظری سازمان دهی شده است.

تعریف جامعه فراصنعتی

تورن، جامعه فراصنعتی را جامعه تکنوکراتیک برپایه ماهیت

قدرت و برنامه ریزی شده بر طبق سازمان تولید تعریف می کند.

ویژگیهای جامعه فراصنعتی

به عقیده **تورن**، در جامعه فراصنعتی، تعارضهای بین تکنوکراتها و مصرف کنندگان، تضادهای اصلی به شمار می آیند.



در جامعه فراصنعتی، دانش و اطلاعات منبع قدرت و توانمندی است و تغییرات اجتماعی عمدتاً از یافته‌های عملی و اطلاعاتی و پیامدهای مربوط به آنها مایه می‌گیرند.

فصل چهارم. تغییرات اجتماعی در اندیشه کلاسیک‌های جامعه‌شناسی

در این فصل نظرات کنت، مارکس، وبر، دورکیم و

اسپنسر را در مورد تغییرات اجتماعی فرامی‌گیرید.

گزاره مشترک نظریه های تکاملی

نظریه های تکاملی قرن نوزدهم در این گزاره شریک بودند که تغییر موضوعی است طبیعی، جهت دار، بنیانی و مستمر که از علل همانندی مشتق می شود.

ایده آلیسم کنت

کُنت، دیدی ایده آلیستی نسبت به تکامل اجتماعی داشت و معتقد بود که تکامل جامعه بر تکامل اندیشه و افکار استوار است.

مراحل سه گانه

به نظر **کنت**، جامعه مانند اندیشه انسانی از سه مرحله می گذرد :

رَبّانی (الهی)، متافیزیکی (مابعدالطبیعی)، اثباتی (علمی).

مرحلهٔ ربّانی

در مرحلهٔ ربّانی، انسانها هر پدیده‌ای را با توسل به نیروهای اساطیری و قدرت الهی تبیین می‌کنند.

مرحلهٔ متافیزیکی

در مرحلهٔ متافیزیکی، ذهن انسان علت وقوع پدیده‌ها را جستجو می‌کند اما علت را در بعد فلسفی پی می‌گیرد نه در بعد تجربی.

مرحله اثباتی

در مرحله اثباتی، انسانها علل پدیده‌ها را در خود طبیعت و نه در ورای آن جستجو می‌کنند و به مشاهده، تجربه و آزمایش پدیده‌ها روی می‌آورند.

همگرایی مراحل فکری و زندگی مادی

در هر یک از مراحل سه گانه، واحد اجتماعی خاص، روابط

متقابل معین، و سلطه و حقوق سیاسی خاصی شکل می گیرد.

مادی گرایی مارکس

مارکس، تطور و تکامل اجتماعی را در

چگونگی مناسبات تولید پی می گرفت و معتقد بود

که هر دوره ای، مناسبات تولید خاص خود را دارد.



روش **مارکس** برای بررسی تحولات تاریخی، تبیین
مادی گرایانه (**ماتریالیسم تاریخی**) است، که مطابق
آن، شرایط عینی و مادی مورد توجه قرار می گیرد.

فرض اساسی مارکس

فرض اساسی **مارکس** در تبیین مادی گرایانه این است که هستی

انسانهاست که ذهن یعنی شعور اجتماعی آنان را تعیین می کند.

شرایط اقتصادی تعیین کننده افکار، عقاید و شعور اجتماعی است.

انقلاب اجتماعی

مارکس معتقد بود که در هر شیوه تولید، روابط تولید،

رشد نیروهای تولیدی را تسهیل می کند، اما همین روابط

بعدها مانع رشد می شود و به انقلاب اجتماعی می انجامد.

تغییر روابط تولیدی

بر اثر انقلاب اجتماعی، روابط تولیدی غالب تغییر می کند، و به تَبَع آن، روبنای حقوقی، سیاسی، اخلاقی، هنری و مذهبی دگرگون می شود.

شیوه های تولید

به نظر **مارکس**، مراحل تاریخی بشر را نظامهای اقتصادی

(شیوه های تولید) تعیین می کنند. چهار نظام اقتصادی

عبارت اند از شیوه تولید آسیایی، باستانی، فئودالی و بورژوازی.

خصایص شیوه های تولید

خصیصه شیوه تولید باستانی، **بردگی**، خصیصه شیوه تولید فئودالی،

بندگی، و خصیصه شیوه تولید بورژوازی، **مزدوری** است.

نظریه کنش اجتماعی وبر

وبر، عمدتاً از تحلیلهای تکاملی تاریخ اجتناب ورزید ؛

هسته مرکزی نظریه او، **نظریه کنش اجتماعی** است.

انواع کنش

وبر، کنشها را به چهار نوع متمایز تقسیم کرد: کنش عقلانی معطوف به

هدف، کنش عقلانی معطوف به ارزش، کنش انفعالی یا عاطفی، کنش سنتی.

انواع جامعه

وبر، جوامع را بر اساس کنش اجتماعی تقسیم بندی کرد :

کنشهای سنتی و عاطفی مربوط به جوامع سنتی و ابتدایی،

و کنشهای عقلانی خاص جوامع پیشرفته و صنعتی هستند.

عقلانیت

به نظر **وِبر**، عقلانیت، نتیجه تخصص‌گرایی عملی و فنی در بطن تمدن غرب است و ویژگی بارز آن، تسلط انسان بر جهان خارج است.

ابعاد جهان اجتماعی

وبر معتقد است که جهان اجتماعی از سه بُعد مجزا اما مرتبط تشکیل شده است: ارزشهای فرهنگی و اعتقادات، الگوهای کنش اجتماعی، و جهت گیری روان شناختی.

زمینه های تغییر و تحول اجتماعی

به عقیده **وبر**، بسط عقلانیت ابزاری، زمینی شدن زندگی، باور
به قدرت خرد، توان برنامه ریزی، قدرت حسابرسی و سازماندهی،
زمینه را برای تغییر و تحول اجتماعی فراهم کرده است.

تقسیم کار در نظریه دورکیه

دورکیه معتقد بود که **تقسیم کار**، چگونگی ساخت اجتماعی

را معین می کند و عامل عمده تکامل و تطور جامعه است.

همبستگی مکانیکی

به نظر **دورکیم**، در جوامع اولیه، روابط اجتماعی، ساده، و تقسیم کار به مرحله

پیچیده نرسیده است و افراد بر اساس **همبستگی مکانیکی** با هم رابطه دارند.

همبستگی ارگانیکی

در جوامع صنعتی و پیشرفته بر اثر گسترش تقسیم کار، کارکردهای جامعه تفاوت بیشتری می یابند و تفاوت میان اعضای آن افزایش می یابد و **همبستگی ارگانیکی** شکل می گیرد.

توسعه اجتماعی

به عقیده **دورکیم**، افزایش جمعیت همراه با میزان بالایی

از تعامل اجتماعی منجر به توسعه اجتماعی می شود.

آشفتگی اجتماعی

دورکیم معتقد است که در مواقع رکود اقتصادی ناگهانی

و یا رشد سریع اقتصادی، آشفتگی اجتماعی (**آنومی**)

روی می دهد که سلطه هنجاری را تضعیف می کند.

تغییر اجتماعی

تضعیف سلطه هنجاری باعث افزایش تقاضاها و آرزوها می شود
که چون جامعه نمی تواند همه آنها را برآورد کند، نارضایتی
عمومی پدید می آید که به انقلاب یا تغییر اجتماعی می انجامد.

نظریه تکاملی اسپنسر

به نظر اسپنسر، پیشرفتهای تکاملی بر حسب تمایز ساختاری و کارکردی از سادگی به پیچیدگی، از همگونی به ناهمگونی به صورت یک فرایند عام جریان پیدا می کند.

انواع جامعه

اسپنسر، انواع جامعه را بر حسب مرحله تکاملی آنها به چهار نوع

طبقه بندی کرد : ساده، ترکیبی، ترکیبی مضاعف، ترکیبی شدید.



همچنین، انواع جامعه را با توجه به شیوه استقرارشان، به جوامع کوچ رو، نیمه یکجانشین و یکجانشین، تقسیم نمود.

جامعه صنعتی و جامعه نظامی

اسپنسر، انواع جامعه را بر مبنای سازماندهی و تنظیم

اجتماعی به دو نوع **صنعتی** و **نظامی** تقسیم کرد.



جامعه نظامی متضمن فشار یا اجبار است، و جامعه
صنعتی، مبتنی بر همکاری آگاهانه افراد آزاد است.

مفروضات جامعه شناسان کلاسیک

جامعه شناسان کلاسیک کلان نگر بودند، شکل و الگوی واحدی برای تغییر کلیه جوامع قایل بودند، و تغییر را یک ضرورت طبیعی و حرکت از مراحل ساده به پیچیده تلقی می کردند.



جامعه‌شناسان کلاسیک، به عوامل بیرونیِ تغییر توجه نداشتند و در تبیین تغییر اجتماعی، نگاهی جبرگرایانه، تک علّتی و طبیعت‌گرایانه داشتند.

فصل پنجم. رویکرد ساختی - کارکردی و تغییر اجتماعی

در این فصل با رویکرد ساختی - کارکردی و آراء برجسته ترین

نظریه پردازان این رویکرد در مورد تغییر اجتماعی آشنا می شوید.

تعریف ساختار

ساختار، بر مجموعه‌ای از روابطِ الگومند و

نسبتاً ثابتِ واحدهای اجتماعی دلالت می‌کند.

تعریف کارکرد

کارکرد، به پیامدهای هر فعالیت اجتماعی که

موجب تطابق یا سازگاری با ساختار معین یا بخشهای

تشکیل دهنده یک ساختار می شوند، دلالت می کند.

فرضیه های تطورگرایان

فرضیه های اصلی تطورگرایان عبارت اند از کل گرایی، عام گرایی، بالقوه بودن، جهت داری، تعیین گرایی، تدریجی بودن، تحویل گرایی.

تطورگرایان جدید

تطورگرایان جدید معتقدند که تطور، چند خطی است و مسیر و میزان پیچیدگی آن در جوامع مختلف، فرق می کند.

اصول رویکرد ساختی- کارکردی

مطابق رویکرد ساختی- کارکردی، جامعه، کل همبسته‌ای

است که هر بخش آن کارکردهای خاصی دارد و بر مبنای

کارکردها، نظم و انسجام آن بخش تأمین می‌شود.



جوامع باید به عنوان نظام‌های کُل که در تعادلِ پویا قرار دارند،
تحلیل شوند؛ تغییر یک فرایندِ کُنند و انطباقی است، نه انقلابی.



انسجامِ نظامِ ناشی از ارزشهای مشترک است

و انسجامِ کامل هیچ‌گاه محقق نمی‌شود.

آراء پارسونز

پارسونز، اصلی ترین نظریه پردازِ رویکرد ساختی- کارکردی

است، و اگر چه مطالعه ساختها را مقدم بر مطالعه تغییر می داند،

اما فهم یکی را بدون فهم دیگری غیر ممکن می داند.

انواع تغییر

پارسونز دو نوع تغییر را از هم تفکیک می کند : **تعدادلی و ساختی**.

تغییر تعادلی

تغییر تعادلی، بر تغییرات داخلی نظام دلالت

می کند ؛ مداوم است ؛ نوعی تغییر اصلاحی

است که تعادل جدید جایگزین عدم تعادل می شود.

تغییر ساختی

تغییر ساختی، تغییری است بنیادی همراه با تغییرات اساسی

در ساختارها و کارکردهای جامعه طوری که به واسطه آن،

یک جامعه به جامعه از نوع دیگری تبدیل می شود.



گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی، یا از جامعه
فئودالی به جامعه صنعتی از نوع تغییرات ساختی است.

منشاء تغییرات ساختی

پارسونز معتقد است که منشاء تغییرات ساختی، هم بیرونی (تغییرات اقلیمی،

تکنولوژیکی یا جمعیتی) است، و هم درونی (فشارها و تنشهای اجتماعی).



به نظر **پاسونز**، عوامل تغییرات ساختی شرط لازم برای تغییر ساختاری هستند، اما شرط کافی نیستند، زیرا نیروهای نظارتی و تعادلی می توانند مانع تغییر شوند و آن را مهار کنند.

سازوکارهای تطور اجتماعی

پارسونز، از چهار سازو کار اصلیِ تطور، یعنی تمایز،

انطباق فزاینده، ادخال و عمومیت ارزش نام می برد.

قوانین تطور اجتماعی

پارسونز، تطور را بر مبنای دو قانون تبیین می کند :

قانون عمومی تکامل، و قانون سلسله مراتب سیبرنتیکی.

مراحل تطور اجتماعی

بر اساس دو قانون تطور اجتماعی، چهار مرحله جوامع از هم

متمایز می شوند : ابتدایی، ابتدایی پیشرفته، میانی، جدید.

مرتن و تغییر اجتماعی

به عقیده مرتن، فشارهای حاصل از ساختار اجتماعی که از پیامدهای کارکردی نامناسب ناشی می‌شوند، موجب شکستهای نهادی و تغییرات اجتماعی بنیادی می‌شوند.

اسملسر و تغییر اجتماعی

اسملسر معتقد است که نظریه تغییر اجتماعی باید مشخص

کند که چه چیزی تغییر می کند و عوامل تغییر چه هستند.



اسم‌سَر بین سه مفهوم فرایند، تغییر مقطعی و

بخشی، و تغییر ساختاری تمایز قائل می‌شود.

تغییر ساختاری

تغییر ساختاری به معنای ظهور نقشها و سازمانهای کیفی

جدید است. عوامل تعیین کننده تغییر عبارت اند از شرایط ساختاری،

انگیزه تغییر، بسیج برای دگرگونی و بکار افتادن کنترل‌های اجتماعی.

تبیین فرایند تغییر

به عقیده **ایزنشتاد**، ابزارهای مفهومی لازم برای تبیین

فرایندهای تغییر و دگرگونی جوامع عبارت‌اند از تمایل به

تغییر، فرایندها، جهت‌گیری و تصادفی نبودن تغییر.

تمایز و تفکیک اجتماعی

در ادبیات جدید مربوط به تغییر و تطور جوامع، مفهوم تمایز و تفکیک جایگزین مفاهیم پیچیدگی و تخصصی شدن، گردیده است.

تعریف تمایز اجتماعی

منظور از **تمایز**، شیوه‌هایی است که کارکردها یا حوزه‌های نهادی اصلی جامعه از یکدیگر جدا و به نقشها و تجمعات تخصصی وابسته می‌شوند.

نهادی شدن تغییر

به نظر **ایزنشتاد**، نهادی شدن تغییر در یک جامعه، به

ساخت نهادیِ نظام موجود، سطح تمایز اولیه، و منازعات و

گرایشهای عمده در مورد تغییر در آن جامعه بستگی دارد.

شرایط تغییر و تحول

جانسون معتقد است که هرگاه سازگاری بین ارزشهای یک جامعه و شرایط

محیطی آن مختل گردد، شرایط برای تغییر و تحول اجتماعی فراهم می شود.

فصل ششم. رویکرد تضاد و تغییر اجتماعی

در این فصل، با رویکرد تضاد و آراء نظریه پردازان

آن در مورد تغییر اجتماعی آشنا می شوید.

رویکرد تضاد

رویکرد تضاد در علوم اجتماعی، بویژه در زمینه تغییر اجتماعی،

ریشه در اندیشه **ماتریالیسم تاریخی** مارکس دارد.

تغییرات انقلابی

در رویکرد تضاد، برخلاف رویکرد ساختی- کارکردی که بر تغییرات آرام و متعادل تکیه می کند، تغییرات تند و انقلابی که خصلت ساختی دارند، مورد تأکید قرار می گیرد.

تضاد اجتماعی

به عقیده **کوزر**، تضاد در ذات جامعه وجود دارد، زیرا کنشگران اجتماعی دارای آمادگیها و استعدادهای متنوعی هستند.

تغییرات سازنده

تضاد می تواند هم سازنده باشد و هم مخرب. در جایی که ساختارها منعطف هستند، تضاد به صورتی نهادی شده در می آید و سبب حفظ ثبات و نظم و تغییرات سازنده می شود.

تغییرات مخرب

در جایی که ساختارها سخت هستند، تضاد خصلت نهادی پیدا نمی‌کند و مسأله آفرین می‌شود و به تغییرات مخرب می‌انجامد.

ابعاد جامعه

دارندورف معتقد است که جامعه، همزمان دارای دو بُعدِ وفاق

و تضاد است. تضاد و تغییر اجتماعی در همه جا وجود دارند.

شبه گروه

دارندورف، شبه گروه را از گروه ذی نفع متمایز می کند.

شبه گروه افرادی هستند که سمتهای مختلفی دارند، لیکن به لحاظ

موقعیت خود، دارای منافع جمعی هستند، مانند مصرف کنندگان.

گروه ذی نفع

گروه ذی نفع، گروهی است که دارای اهداف معین و

عمل از پیش تعیین شده و سازماندهی مناسب است.



گروه ذی نفع این استعداد را دارد که به گروه ستیز تبدیل

شود و در ایجاد تغییر اجتماعی سهم مهمی ایفا کند.

شرایط کاهش تضاد و تغییر

چنانچه گروههای ذی نفع بتوانند خود را سازماندهی کنند، تضادها در سطح جامعه پخش باشند، اقتدار حاکم تمرکزگرایانه نباشد و تحرک اجتماعی زیاد باشد، تضاد و تغییرات اجتماعی کاهش می یابد.

آراء مارکسیستهای جدید

مارکسیستهای جدید، تعیین‌گرایی اقتصادی را رد می‌کنند،

نقش بیشتری به آگاهی و ایدئولوژی می‌دهند، و برای حوزه‌های

اقتصاد، سیاست و فرهنگ استقلال نسبی قائل هستند.



مارکسیست‌های جدید، به تعامل و دیالکتیک بین ساختار و عاملیت

و به قابلیت‌های تغییرات ساختاری در جوامع جهان سوم توجه دارند.

دیدگاه وابستگی

فرانک، پیشکسوت و مهمترین صاحب نظر **دیدگاه**

وابستگی است که کشورها را به **مرکز** (توسعه یافته)

و **پیرامون** (توسعه نیافته) تقسیم می کند.

تبیین توسعه نیافتگی

به عقیده **فرانک**، برای تبیین توسعه نیافتگی باید رابطه وابستگی نابرابر بین مرکز و پیرامون، شرایط تاریخی حاکم بر این کشورها، تجربه استعمار، و زنجیره وابستگی درک شود.

انتقاد از دیدگاه وابستگی

یکی از انتقاداتی که به دیدگاه وابستگی شده این است که از نقش و سهم نیروهای داخلی در توسعه و تغییرات اجتماعی در کشورهای پیرامون غفلت کرده است.

توسعه وابسته

کاردوزو، به نقش نیروهای داخلی و ارتباط آنها با نیروهای خارجی توجه نموده و مفهوم **توسعه وابسته** را طرح کرده است.

دیدگاه نظام جهانی

مهمترین نظریه پرداز دیدگاه نظام جهانی، **والرشتاین** است که

معتقد است یک نوع سرمایه داری وجود دارد و آن نظام جهانی است.

دسته بندی کشورهای جهان

والرشتاین، کشورهای جهان را بر اساس وضعیت دولت و

ساختارهای حکومتی آنها به سه دسته تقسیم می کند : حکومت‌های

مرکزی، حکومت‌های نیمه پیرامونی، حکومت‌های پیرامونی.

سازوکارهای تغییر و تحول جوامع

والرشتاین، سازوکارهای تغییر و تحول جوامع را برای

حرکت از وضعیت نیمه پیرامون به مرکز یا از پیرامون به

نیمه پیرامون در سه سازوکار مورد توجه قرار داده است.



این سه سازوکار عبارت‌اند از اغتنام فرصت، دعوت
از سرمایه‌گذاری خارجی، و حکومت خود اتکاء.

فصل هفتم. عاملیت و تغییر اجتماعی

در این فصل، با مفهوم عاملیت، نقش زنان،

نخبگان، جوانان و جنبشهای اجتماعی به عنوان

عاملان تغییر اجتماعی آشنا می شوید.

مبحث عاملیت

در بحث عاملیت، به نقش کارگزاریِ کنشگران در شکل دادن به فرایندهای اجتماعی توجه می شود.



در آغاز، عاملیت در قلمرو فرا طبیعی جستجو می شد ؛ سپس،
خصلت زمینی پیدا کرد و در حوزه جهان طبیعی قرار گرفت.

توجه علم اقتصاد به عاملیت

جامعه‌شناسی معمولاً به الزامات فرافردیِ کنش توجه داشت
اما علم اقتصاد بر اساس این فرض شکل گرفته بود که فرد
یک کارگزار و عامل عقلانی (منطقی) و آزاد است.

انتقاد تورن از تحول گرایی و ساخت گرایی

تورن، به عاملیت توجه نمود و از تحول گرایی و ساخت گرایی که کنش جمعی را تابع قوانین تغییر ناپذیر تاریخی نموده و نقش کنشگر را حذف کرده اند، انتقاد کرد.

تأکید تورن بر عاملیت

به عقیده **تورن**، جامعه محصول تغییر و وابسته به کنشهای انسانی است. جامعه و تاریخ توسط کنش جمعی که جنبشهای اجتماعی مصداق اصلی آن هستند، ساخته می شوند.



تورن، با ردّ تطورگرایی و طرح جنبشهای اجتماعی و دادن

نقش محوری به کنشگران اجتماعی، مفهوم **جامعه فرا صنعتی**

را مطرح کرد که ظرفیت زیادی برای کنش فعال دارد.

پیوند عاملیت و ساختار اجتماعی

گیدنز، با آنکه به نقش کنشگران در شکل‌گیری واقعیتها و فرایندهای

اجتماعی توجه دارد، نقش ساختارها را هم در نظر می‌گیرد.

عوامل افزایش مشارکت سیاسی

به نظر **اینگلهارت**، سه عامل باعث افزایش توان مشارکت سیاسی

مردم غرب شده است : افزایش سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی،

تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت سیاسی زنان، تغییر اولویتهای ارزشی.

عاملیت زنان

بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات زنان و ورود آنان به بازار کار
سهام زیادی در تقویت عاملیت و توانمندسازی زنان داشته است.

ضعف عاملیت

به عقیده چَلَبی، جامعه‌ای که اکثر افراد آن فاقد سرمایه فرهنگی و آموزشی هستند، نقش عنصر ذهنی و عاملیت در تغییرات اجتماعی کم رنگ می‌شود و افراد دنباله‌رو می‌گردند.

نخبگان چهارگانه

چلبی معتقد است که حضور و ارادهٔ انسانی در میان گروه‌های
استراتژیکِ چهارگانه، یعنی چهار قشر نخبه اجتماعی،
فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، تجسم می‌یابد.

تحرک نخبگان

پاره تو، نزاع و ستیز اجتماعی را به نزاع نخبگان تقلیل می دهد و

معتقد است نوعی تحرک در میان نخبگان حاکم و غیر حاکم وجود

دارد و تغییر اجتماعی محصول تحرک (گردش) نخبگان است.

علت انقلاب

پاره تو عقیده دارد که انقلابها به واسطه انباشته شدن عناصر فاسد در رده‌های بالا و افزایش عناصر با صلاحیت در رده‌های پایین تر رخ می‌دهد.

نخبگان و تاریخ

موسکا معتقد است که حرکت تاریخ تحت تأثیر منافع و

ایده‌های گروه نخبگان است. ساخت نخبگان تحت تأثیر

مؤلفه‌هایی چون روابط خویشاوندی، فرهنگی و منفعتی است.

نخبگان قدرتمند

میلز، نخبگان را بر مبنای تصاحب قدرت سیاسی، اقتصادی و

نظامی تحلیل می کند. به عقیده او، در آمریکا قدرت در دست

مقامات حکومتی، صاحبان شرکتهای بزرگ و مقامات نظامی است.

نقش اقلیت خلاق

توین بی، رشد و سقوط تمدنها را ناشی از عمل اقلیت

خلاق می داند. هنگامی که اقلیت خلاق قادر به عمل مناسب

نباشد و اکثریت از آنها تبعیت نکند، تمدن فرو می پاشد.

نقش روشنفکران

به عقیده **مارتین دیل**، همه دگرگونیهای اجتماعی ناشی از

عمل افراد است و روشنفکران ارکان اصلی تغییر هستند.

نخبگان و صنعتی شدن

به نظر باتمور صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه
بر عهده پنج گروه نخبه است : گروه نخبه خاندانی، حکام
استعمارگر، طبقه متوسط، روشنفکران انقلابی، رهبران ملی گرا.

نخبگان شش گانه

روشه، از شش گروه نخبه نام می برد : سنتی و مذهبی،

تکنوکراتیک، مالکیت، ایدئولوژیک، کاریزمایی، سمبولیک.

نقش روشنفکران جوان

میلز با طرح مفهوم **بورژوا شدن طبقه کارگر** استدلال

می کند که در نیمه دوم قرن بیستم، روشنفکران جوان و

بویژه دانشجویان محتمل ترین منبع رادیکالیسم نو هستند.

نقش جنبشهای دانشجویی

مارکوزه معتقد است که جنبشهای دانشجویی در قبال وضع موجود پدید آمده اند و تغییر کیفیت زندگانی آینده را نوید می دهند.



به عقیده **مارکوزه**، جنبش دانشجویی در هیچ کشوری به تنهایی

یک نیروی انقلابی نیست و زمانی به نیروی انقلابی تبدیل

می شود که به دیگر گروههای محروم یا حاشیه‌ای بپیوندد.

تعریف جنبش اجتماعی

جنبش اجتماعی را می توان شکلی از کنش جمعی برای دستیابی به دگرگونی در برخی جنبه های نظم موجود در جامعه پنداشت.



به عقیده **کیلین**، جنبشهای اجتماعی خالقان تغییر اجتماعی هستند.

اعضای جنبش ارزشها و اهداف مشترکی دارند، نسبت به یکدیگر

احساس تعلق می کنند، و بین رهبران و پیروان تقسیم کار وجود دارد.

نقش‌های جنبش اجتماعی

جنبش‌های اجتماعی با داشتن نقش ایجابی و سلبی در تغییر اجتماعی، و مداخله آگاهانه و عمدی کنشگران انسانی در صورت تاریخی، نقش مهمی در فرایندهای اجتماعی و تاریخی دارند.



تورن با توجه به اهمیتی که به عاملیت و کنشگری می دهد، جنبشهای اجتماعی را نیروهایی می داند که نظام موجود را به مبارزه می طلبند و در صدد تغییر جامعه هستند.

تبیین روان‌شناسی اجتماعی

در تبیین‌های روان‌شناسی اجتماعی، ریشه‌های جنبش اجتماعی در شخصیت کنشگران اجتماعی جستجو، و بر متغیرهایی از قبیل نارضایتی اجتماعی، ناسازگاری اجتماعی، حاشیه‌ای شدن و احساس محرومیت نسبی تأکید می‌شود.

تبيين جامعه شناختي

در تبیین‌های جامعه‌شناختی، عوامل و عناصر فرا فردی و متغیرهایی چون زمینه‌های ساختاری، فشار و کنترل‌های سیاسی، دسترسی به منابع و وجود مسیرها و فرصت‌های تازه مورد تأکید قرار می‌گیرد.

شرایط شکل گیری جنبش اجتماعی

به عقیده **اسملسر**، شرایطی که به شکل گیری جنبشهای اجتماعی

منجر می شوند عبارت اند از آمادگی ساختاری، فشار ساختاری، عقاید

تعمیم یافته، عوامل شتاب دهنده، هماهنگی، عملکرد کنترل اجتماعی.

انواع جنبش اجتماعی

جنبشهای اجتماعی بر حسب گستردگی و شدتِ

عمل به دو نوع انقلابی و اصلاحی تقسیم می شوند.



در جوامع دموکراتیکِ متکثر، تقریباً به ندرت جنبشهای انقلابی روی می دهد،
زیرا آزادی بیان و مطبوعات، بیان شفاهی نارضایتی را میسر می سازد.

جنبشهای پیشرو و ارتجاعی

جنبشهای اجتماعی با توجه به ملاکِ **زمان**، به دو نوع پیشرو (معطوف
به آینده) و ارتجاعی (معطوف به گذشته) تقسیم می شوند.

انواع جنبش برحسب محتوای تغییر

جنبشهای اجتماعی برحسب **محتوای تغییر** به دو دسته معطوف به تغییر

در ساختار (جنبشهای سیاسی- اجتماعی، جنبشهای فرهنگی- اجتماعی)،

و معطوف به تغییر در افراد (مقدس، عرفی) تقسیم می شوند.

منطق کنش

جنبشهای اجتماعی با توجه به ملاکِ **منطق کنش** به دو دسته جنبشهای دارای منطق ابزاری، و منطق نمایشی یا معنایی تقسیم می شوند.

جنبشهای قدیمی

جنبشهای اجتماعی قدیمی مربوط به دوره شروع تجدد هستند که عمدتاً بر منافع اقتصادی متمرکز بودند، اعضای آنها به طبقه واحدی تعلق داشتند و سازمان یافته تر بودند.

جنبشهای جدید

جنبشهای اجتماعی جدید بر موضوعات و منافع جدید متمرکزند، به طبقه خاصی تعلق ندارند، و معمولاً از شبکه‌های سازمانی و سلسله مراتب منعطف‌تری برخوردارند.

کارکردهای جنبشهای اجتماعی

جنبشهای اجتماعی، زمینه مشارکت اجتماعی و سیاسی، سازماندهی و توانمندسازی افراد را فراهم می کنند و عامل تقویت آگاهیهای جمعی، ارتقاء قدرت چانه زنی، و اهرم فشار هستند.

فصل هشتم. ساختار و تغییر اجتماعی

در این فصل، با نقش ساختار اجتماعی

در تغییرات اجتماعی آشنا می شوید.

تعریف ساختار

علیرغم تعابیر متفاوت از مفهوم ساختار اجتماعی، در بیشتر موارد این اتفاق نظر وجود دارد که **ساختار، بر مجموعه‌ای از الگوهای منظم و پایدار دلالت می‌کند.**



به نظر **اسملسر**، در تحلیل ساختارهای اجتماعی سه مفهوم اصلی

اهمیت ویژه‌ای دارند : ارزشها، هنجارها، و روشهای پاداش دهی.

ابعاد ساخت اجتماعی

ساخت اجتماعی دارای چهار بُعد نظام نمادی، هنجاری، تعاملی و فرصتی است و در قالب آنها عناصر تغییر دهنده و نظم دهنده مطرح می شوند.



در دیدگاه‌های جدید، از هر نوع تعین‌گرایی و تبیین
واقعیت‌های اجتماعی بر مبنای عناصر و علل محدود
اجتناب و به تعامل متغیرهای تبیین‌کننده توجه می‌شود.

رابطه دولت و تغییر اجتماعی

دیدگاههای مربوط به رابطه دولت و تغییر اجتماعی دو دسته اند : برخی برای دولت نقش حداقلی، و برخی برای آن نقش حداکثری قائل هستند.

نقش جامعه مدنی در تغییر اجتماعی

به نظر جامعه‌شناسان غیر مارکسیست و الگوهای نظری لیبرال،
مهمترین نیروی ایجاد تغییر اجتماعی در متن جامعه مدنی نهفته است.

نقش دولت در تغییر اجتماعی

اسکاکیپول معتقد است که دولتها نقش عمده ای در تغییرات

اجتماعی دارند. انقلاب اجتماعی و تغییرات ناشی از آن را زمانی

می توان درک کرد که حکومت یک ساختار کلان تلقی شود.

انواع دولت

ایوانز دولتها را به دو دسته دولتهای **یغماگر** و **توسعه گرا**

تقسیم می کند و برای هر یک ویژگیهایی بر می شمارد.



بر مبنای چگونگی ارتباط و نقش دولت در فرایند توسعه و جامعه مدنی،

دولتها به سه دسته **کارشکن، مردّد، و توسعه خواه** تقسیم می شوند.

تعریف ایدئولوژی

ایدئولوژی مجموعه‌ای از عقاید و ارزش‌هایی است که شیوه‌ای از نگریستن و

تفسیر کردن جهان را فراهم می‌آورد و حاصل نگاه جزئی به واقعیت است.

ایدئولوژی و اتوپیا

مانهایم، دو مفهوم **ایدئولوژی** و **اتوپیا** را تفکیک کرده است :

ایدئولوژی، محصول شرایط اجتماعی، اقتصادی و تاریخی، و

اتوپیا، مجموعه‌ای از آمال و آرزوهای طبقات تحت سلطه است.

نقش ایدئولوژی در تحولات اجتماعی

گرامشی، مارکسیست ایتالیایی، هر چند به اهمیت عوامل

ساختاری بویژه عامل اقتصادی باور داشت، اما برای

ایدئولوژی در ایجاد تحولات نقش بسزایی قائل بود.



رویکرد ایده آلیستی، نقش ویژه ای برای ایده ها و

ارزشها در شکل گیری تغییرات اجتماعی قائل می شود.



کنت به نقش معرفت و شناخت در تحول جوامع
در قالب مراحل سه گانه پرداخته، و **وبر**، نقش اخلاق
پروتستان را در پیدایش سرمایه داری بررسی کرده است.

رویکرد تلفیقی

در **رویکرد تلفیقی**، به تعامل عناصر مادی و فرا مادی

(ایده آلی) و یا همراهی این عناصر توجه می شود.



ایدئولوژی این استعداد را دارد که هم در جامعه شناسی نظم و ثبات
مورد توجه قرار گیرد و هم در جامعه شناسی تغییرات و انقلاب.

پایان عصر ایدئولوژی

ایده **پایان عصر ایدئولوژی** حاکی است که در نظام سرمایه داری،

بنیادی ترین تغییر با مشارکت طبقه کارگر صورت گرفته، وضع

موجود تثبیت شده، و ایدئولوژی تازه ای ظاهر نخواهد شد.

اهمیت تکنولوژی

تکنولوژی چنان تأثیر عمده و شگرفی در حیات اجتماعی و فرهنگی

جوامع داشته که گروهی به تعیین‌گرایی تکنولوژیک باور دارند.

نظریه تکاملی - بوم شناختی

نظریه تکاملی - بوم شناختی، نقش اصلی را در تحول تاریخی جوامع به تکنولوژی می دهد، هر چند که از نقش نیروهای دیگر غفلت نمی کند.



در این نظریه، پیشرفت تکنولوژی پیش شرط رشد و توسعه و قدرت و ثروت هر جامعه محسوب می شود.

عوامل تغییر اجتماعی

آگبورن در تحلیل تغییر اجتماعی، چهار عامل را مورد

تأکید قرار می دهد : اختراع، انباشت، پخش و سازگاری.

از میان آنها، به اختراع اهمیت بیشتری می دهد.

تکنولوژی و معیشت

به عقیده **وبلن**، ایده ها و رفتار انسان از وضعیت معیشتی

او مایه می گیرد و معیشت نیز تابع تکنولوژی است.

اتفاقات در اجزای ساختار اجتماعی

گرث و میلز، تحولات اجتماعی را اتفاقاتی می دانند

که در طی زمان در نقشها، نهادها و نظامهایی که

ساختار اجتماعی را تشکیل می دهند، روی می دهد.

تغییرات حوزه کار

به نظر **اسملسر**، تکنولوژی، تغییرات متنوعی در حوزه کار ایجاد کرده، و به تبع این تغییرات، مجموعه حیات اجتماعی نیز تغییر و تحول یافته است.

تعامل تکنولوژی با عوامل دیگر

در مجموع، تکنولوژی همراه با دیگر عوامل و متغیرهایی که با آنها پیوندهای تعاملی دارد، زمینه را برای شکل‌گیری تغییر اجتماعی فراهم می‌کند.

عوامل فرافردی

عده‌ای تغییر اجتماعی را حاصل نیروهای خارج از کنترل کنشگران

می‌دانند. از این منظر، عاملیت و آزادی فردی جای خود را به

فشارهای ساختاری و روندهای اجتماعی فرا فردی می‌دهد.

فشار ساختاری

فشار ساختاری، به تنش‌هایی اطلاق می‌شود که باعث ایجاد منافع متعارض در درون جامعه می‌شود.

روندهای اجتماعی عمده

دو روند عمده اجتماعی که خصلت فرا فردی و ساختاری و پیامدهای قابل توجهی دارند، عبارت اند از روندهای جمعیتی و روندهای نابرابری.

فصل نهم. الگوها و راهبردهای تغییر اجتماعی

در این فصل با الگوها، فرایندها و راهبردهای تغییر

اجتماعی و سازوکارهای هر یک آشنا می شوید.

الگوهای تغییر

الگوهای اصلی تغییر عبارت اند از تکامل، اشاعه،

فرهنگ پذیری، شهری شدن و صنعتی شدن.

الگوی تکاملی

در قالب الگوی تغییر **تکاملی**، مجموعه تغییراتِ نظام حقوقی،

مذهبی، قشربندی اجتماعی و نظام تولید از حیث کمی و

کیفی و معمولاً به صورت خطی و فزاینده بررسی می شود.

الگوی اشاعه

در قالب الگوی **اشاعه**، نگاه خطی دیدگاه تطور گرایانه
به تاریخ رد می شود و بر مطالعه پدیده های فرهنگی در
قالب و کانونهای جغرافیایی خاص تمرکز می شود.

الگوی فرهنگ پذیری

فرهنگ پذیری، به اخذ ویژگیهای مادی و غیر مادی

از جامعه و فرهنگ دیگر دلالت می کند.

الگوی شهری شدن

شهری شدن فرایندی است که به واسطه آن نسبت جمعیت

شهرنشین همراه با شبکه های ارتباطی، فعالیتهای اقتصادی،

سازمانهای سیاسی و اداری در مناطق شهری افزایش می یابد.

تغییرات ملازم با شهرنشینی

شهرنشینی با دو نوع تغییر همراه است : تغییر جمعیتی که عینی و ملموس است ؛ و تغییر شیوه زندگی و نظام ارزشی و هنجاری که عینیت کمتری دارد.

توسعه فردگرایی و خلاقیت

به عقیده **وبر**، شهر از دوران قرون وسطی به بعد مرکز توسعه فردگرایی بوده است. به نظر **کومار**، شهرها مروج تنوع و خلاقیت اند. آنها بهترین و باهوشترین افراد را جذب می کنند.

پیامدهای رشد شهرهای جدید

لرنر، رشد مراکز شهری جدید را در جهان سوم،

عامل ترقی و تقویت کننده احساس فردگرایی، تضعیف

کننده سنت گرایی، و عامل افزایش مشارکت می داند.

الگوی صنعتی شدن

صنعتی شدن فرایندی است که توسط آن انرژی مکانیکی

جایگزین انرژی حیوانی و فیزیکی انسان می شود.

پیامدهای صنعتی شدن

تغییرات فن شناختی، هم شیوه معیشت و زندگی انسانها را
دگرگون کرده و هم نگاه و نظر آنها را به آدم و عالم تغییر داده است.

تغییرات خانواده

صنعتی شدن، تغییرات عمده ای در نهاد خانواده، از لحاظ ساختار، کارکرد، روابط درونی، و چگونگی تشکیل به وجود آورده است.

فرایندهای مرتبط با صنعتی شدن

در فرایند صنعتی شدن، فرایندهای عقلانی شدن، عرفی شدن و دیوان سالار شدن به صورت متعامل و مرتبط با یکدیگر در حیات اجتماعی ظهور و نمود می یابند.

تعریف عرفی شدن

عُرفی شدن (سکولاریزاسیون) فرایندی است که به واسطه آن،
بخشهایی

از جامعه و فرهنگ از سلطه سازمانها و نهادهای مذهبی رهایی می‌یابند.

ویژگیهای عرفی شدن

ویژگیهای اصلی عرفی شدن عبارت اند از تقدس زدایی،

حاشیه ای شدن مذهب، رمز زدایی از اعتقاد، تقلیل

پای بندی به نهاد مذهب، شخصی شدن مذهب.

نوسازی و عرفی شدن

کومار عقیده دارد که نوسازی مستلزم فرایند عرفی شدن است، یعنی به طور

نظام مند عقل و علم جایگزین نهادها، اعتقادات و کردارهای مذهبی می شود.

بنیادگرایی

به نظر **گیدنز**، **بنیادگرایی** بیان و تجلی یکپارچگی جهانی است و با ویژگی تغییرات در این پدیده پیچیده ارتباط تنگاتنگ دارد.

دیوان سالاری شدن

دیوان سالاری شدن به روند پذیرش اصول و رویه های سازمان

دیوان سالاری در جامعه اطلاق می شود، و اعضای جامعه، کنشها

و منافع خود را به صورت عقلانی تنظیم و پیگیری می کنند.

عقلانی شدن

عقلانی شدن، به فکر و عمل آگاهانه و منطبق با قواعد منطقی

و دانش تجربی که برای نیل به اهداف معین و هماهنگ

از مناسبترین ابزارها استفاده می کند، اطلاق می شود.

تعریف و تقسیم‌بندی راهبرد

راهبرد (استراتژی)، در معنای عام عبارت است از هنر برنامه‌ریزی و هدایت

عملیات. راهبردها عبارت‌اند از آگاهانه، خلاقانه، آینده‌نگر، آینده‌ساز.



چگونگی رابطه بین کارگزار تغییر با هدف، تعیین کننده نوع
راهبردی است که برای ایجاد تغییر اجتماعی بکار گرفته می شود.

انواع راهبرد

با توجه به رابطه کارگزارِ تغییر با هدف، از سه راهبرد نام برده می شود : عقلانی- تجربی، هنجاری- بازآموزی، اجباری- قدرتی.



راهبردهای مربوط به تغییر اجتماعی را به دو گروه

خشونت و مسالمت آمیز نیز تقسیم می کنند.

فصل دهم. سنت، نوسازی و تجدد

در این فصل با مفهوم سنت و کارکردهای مثبت و منفی آن در تغییرات اجتماعی و با مفاهیم تجدد و نوسازی آشنا می شوید.

تعریف سنت

سنت شامل مجموعه‌ای از ذهنیت‌ها و ایده‌هایی است که بار معنایی

ویژه‌ای دارند؛ ریشه در گذشته دارند؛ عمومیت دارند؛ بیش از یک

نسل را شامل می‌شوند؛ و مبنای عمل و رفتار افراد هستند.

کم و کیف سنتها

همه جوامع انسانی **سنت** دارند ؛ اما کمیت (عده طرفداران

سنت) و کیفیت (محتوای) سنت هایشان متفاوت است.

جامعه سنتی

در جامعه سنتی، تغییر به کندی جریان دارد، ولی مرده
ریگ گذشته بر دوش آن سنگینی می کند. جامعه سنتی
در برابر تغییرات اساسی و تند مقاومت می کند.

کارکردهای سنتها

سنتها، هم کارکردهای مثبت دارند و هم کارکردهای منفی. اصولاً سنتهای نرم و منعطف، کارکردهای مثبت، و سنتهای سخت و متصلب، کارکردهای منفی دارند.

نقش ایجابی سنتها

سنتها می توانند از طریق تسهیل تغییر و بسترسازی برای آن، خصلت بومی دادن به تغییر، و تقلیل هزینه های آن، نقش ایجابی در تحقق تغییرات اجتماعی ایفا کنند.

نقش سلبی سنتها

آثار منفی و سلبی سنتها در تغییر اجتماعی نباید نادیده گرفته شود.

رویکرد مکانیکی

در رویکرد **مکانیکی** به رابطه سنت و تجدد (مدرنیته)،

جوامع در مسیر خطی تطور می یابند، تجدد الگو و شکل

واحدی دارد و پذیرش یکی به معنی طرد دیگری است.

رویکرد تفریدی

در رویکرد **تفریدی**، هر جامعه مسیر خاص خود را طی

می کند و جوامع می توانند هم سنتی باشند و هم متجدد.

رویکرد دیالکتیکی

مطابق رویکرد **دیالکتیکی**، جهان اجتماعی تحت تأثیر

عوامل مختلف در حال ساخته شدن است ؛ گذشته، حال

و آینده با هم ارتباط دارند و نمی توان آنها را تفکیک کرد.

تداوم سنتها

به نظر **گیدنز**، در جریان تجدد، سنتها از بین نمی روند، بلکه جایگاه خود را تغییر می دهند و همچنان قدرت خود را حفظ و زمینه تثبیت نظم اجتماعی را فراهم می کنند.

تعریف تجدد (مدرنیته)

تجدد به مجموعه معینی از طرز تلقی ها نسبت به جهان، نهادهای پیچیده بویژه تولید صنعتی و اقتصاد بازاری، و حدّ معینی از نهادهای سیاسی اطلاق می شود.

ویژگیهای تجدد

به نظر **باومن**، خصیصه بارز مدرنیته، دگرگونی است. این

عصر همه دانسته‌ها و معتقدات خود را زودگذر، و نهادهای

انسانی را ساخته خود آدمی و اصلاح پذیر می‌داند.



وبر، تجدد را رمززدایی از جهان می داند ؛ و **مارکس،**

بورژوازی را پویاترین چهره و مشخصه تجدد می شناسد.



جامعه‌شناسان معتقدند که تجدد به دلیل نفوذ و فراگیری
گسترده‌اش، در حوزه‌های اقتصاد، قشربندی اجتماعی،
سیاست، فرهنگ و زندگی روزمره تأثیر گذاشته است.

عناصر تجدد

برخی عناصر و اجزای تجدد عبارت اند از عقل گرایی،
اومانیسم، لیبرالیسم، فردگرایی، برابری، کارگزاری
تاریخی انسان، داعیه معرفت انسان، و اصل پیشرفت.

ابعاد نهادینِ تجدد

از منظر **گیدنز**، چهار وجه یا بعد نهادینِ عمده برای مدرنیته عبارت اند

از سرمایه داری، صنعت گرایی، قدرت اجرایی هماهنگ، و قدرت نظامی.



به عقیده **گیدنز**، برای درک پویایی و تحرک خارق العاده زندگی اجتماعی توجه به سه عنصر ضرورت دارد : جدایی زمان و فضا، تگه برداری از نهادهای اجتماعی، بازتابندگی نهادین.

تعریف نوسازی

نوسازی (مدرنیزاسیون)، فرایندی برنامه ریزی شده و حاصل

عمل آگاهانه کنشگران اجتماعی است که خود را در قالب

فرایند عینی تحولات اقتصادی و سیاسی نشان می دهد.

نوسازی و نوگرایی

نوسازی بیشتر یک فرایند عینی است، اما **نوغرایی**

(**مدرنیسم**)، فرایندی عمدتاً بینشی، ذهنی، و نوعی

اندیشه است که می خواهد مدرن را به جای کهنه بنشانند.

رابطه متقابل

سه فرایند تجدد، نوسازی و نوگرایی با هم رابطه دارند.

فصل یازدهم. هزینه های تغییر اجتماعی

در این فصل با هزینه های اجتماعی، اجتماعی- روانی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی تغییر اجتماعی آشنا می شوید.

هزینه های تغییر اجتماعی

تغییر اجتماعی علاوه بر پیامدهای مثبت، پیامدها و

نتایج منفی هم دارد که از آن تحت عنوان **پیامدهای**

غیرکارکردی یا هزینه های تغییر اجتماعی یاد می شود.

تعریف هزینه های اجتماعی

هزینه های اجتماعی، بر مجموعه آسیبهای اجتماعی دلالت دارند که جامعه انسانی در طی تحول و پویای تاریخی خود در سطوح مختلف آنها را تجربه می کند.

هزینه های اجتماعی

برخی هزینه های اجتماعی عبارت اند از افزایش مادی گرایی و فردگرایی، آسیب های اجتماعی، نابودی تجانس اجتماعی، توسعه شهرها به زیان روستاها، تشدید نابرابری های اجتماعی، نارضایتی و بی سازمانی اجتماعی.

هزینه های اجتماعی - روانی

کاهش استقلال فردی و افزایش وابستگی انسان به ساختارهای اجتماعی و فنی، احساس بی قدرتی، انزوا، تنهایی، غربت، بی هنجاری و بی قانونی از جمله هزینه های اجتماعی - روانی است.

هزینه های اقتصادی

به نظر **لویس**، هزینه های اقتصادی توسعه جوامع سنتی عبارت اند از گسترش مادی گرایی، فردگرایی، رشد شهرها و حاشیه نشینی، نابودی صنایع دستی سنتی، برده شدن انسان و افزایش نابرابری توزیع در آمد.

هزینه های سیاسی

بی تفاوتی سیاسی و توده ای شدن جامعه، افزایش بی اعتمادی و کاهش مشروعیت سیاسی حکومتها، بی نظمی و اعتراضهای خشونت آمیز، از جمله هزینه های سیاسی تغییرات اجتماعی هستند.

هزینه های فرهنگی

برخی از هزینه های فرهنگی تغییرات اجتماعی عبارت اند از
تعارضهای ارزشی، شکافهای نسلی، عرفی شدن جامعه، بحران
هویت، افول فرهنگهای بومی و محلی، و جدال سنت و مدرنیته.

هزینه های آموزشی

آموزش، باعث بالا رفتن مطالبات اجتماعی و انتظارات افراد جامعه می شود و چون ظرفیت برآوردن آنها وجود ندارد، به بی ثباتی سیاسی می انجامد.

هزینه های زیست محیطی

با پیچیده تر شدن جوامع و توسعه فعالیت های اقتصادی و بهره برداری از محیط و پخش شدن آلاینده ها، هزینه های زیست محیطی افزایش می یابد.

فصل دوازدهم. جهانی شدن

در این فصل با تعاریف، شواهد، ویژگیها و

پیامدهای جهانی شدن آشنا می شوید.

قدمت جهانی شدن

جهانی شدن یک فرایند تاریخی در ابعاد اجتماعی،

سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است که منجر به ورود

عوامل غیربومی به حوزه‌ها و قلمروهای بومی می‌شود.

شواهد جهانی شدن

شواهد جهانی شدن عبارت اند از گسترش بازارهای مالی، شکل گیری تجارت الکترونیکی، گسترش نقش و نفوذ شرکتهای چند ملیتی، تولید جهانی، کاهش موانع تعرفه ای، شکل گیری اتحادیه های اقتصادی.



کاهش نقش و اقتدار دولتها، بسط و گسترش ارزش دموکراتیک، توجه به حقوق بشر، گسترش عمومیت‌های فرهنگی، شکل‌گیری جنبش‌های جهانی، و وابستگی متقابل جوامع و کشورها، از دیگر شواهد جهانی شدن هستند.



همچنین، شکل‌گیری الگوهای مصرف جهانی، گسترش
صنعت جهانگردی، جریان آزاد اطلاعات، و تشدید نابرابری‌های بین
جامعه‌ای را می‌توان جزء شواهد جهانی شدن محسوب کرد.

تعاریف جهانی شدن

تعاریف مختلفی از **جهانی شدن** ارائه شده است.

در هم فشرده شدن جهانی

رابرتسون، به در هم فشرده شدن جهانی و

تراکم آگاهی نسبت به جهان اشاره می کند.

محو قید و بندهای جغرافیایی

واترز معتقد است که در فرایند اجتماعی شدن، قید و بندهای

جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده اند از

بین می روند و مردم به کاهش این قید و بندها آگاه می شوند.

تلاقی حاضر و غایب

گیدنز می نویسد : جهانی شدن به معنای گره خوردن رویدادهای

اجتماعی و روابط اجتماعی سرزمینهای دوردست با تار و پود

موضعی یا محلیِ جوامع دیگر است (تلاقی حاضر و غایب).

مؤلفه های جهانی شدن

گیدنز، جهانی شدن را پیامد و نتیجه تجدد، و مؤلفه های

اصلی آن را نظام دولت ملی، سازمان نظامی جهان، اقتصاد

سرمایه داری جهانی، و تقسیم کار بین المللی می داند.

وجوه جهانی شدن

رابرتسون برای جهانی شدن چهار وجه قائل است که عبارت اند از جوامع

(ملی)، افراد، نظام ارتباط بین جوامع، و بشریت به معنای نوعی آن.

اهمیت عناصر فرهنگی

رابرتسون سهم قابل توجهی برای عناصر فرهنگی قائل می شود و معتقد

است که عرصه جهانی، در کل، یک نظام اجتماعی- فرهنگی است.



به نظر **رابرتسون**، فرایند جهانی شدن دو وجهی است : عام شدن خاص،
و خاص شدن عام. این نگاه متضمن یگانگی و تکثر فرهنگی است.

سیطره شبکه جهانی

به عقیده **کاستلز**، انقلاب در فنون ارتباطی و اطلاعاتی، شالوده های مادی جوامع را تغییر داده، طوری که حتی دور افتاده ترین جوامع هم قادر به کناره گیری از شبکه جهانی نیستند.

فرا ملی شدن

به نظر **روزنائو**، فرا ملی شدن فرایندی است که در

ضمن آن، روابط حکومتها در سطح بین المللی توسط

روابط بین افراد و گروههای غیر دولتی تکمیل می شود.

انتقاد از یکپارچگی جهانی

به نظر نَش، هر چند که فرهنگ جهانی در حال تغییر است، ولی جهانی شدن فرهنگ به معنی یکی شدن فرهنگ نیست.

نتیجه گیری

جهانی شدن فرایندی متناقض نما و چند ساحتی و دارای مراجع مختلف محلی، ملی، منطقه ای و جهانی است و عام گرایی و خاص گرایی فرهنگی را توأمان در خود دارد.

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com